



پزشکیان از ظرفیت سران قوا استفاده کند

محمد مهاجری، روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی در گفت‌وگو با هم‌میهن معتقد است: «باید سازمان‌ها و نهادهایی که از دولت بودجه می‌گیرند، مورد بررسی واقع شوند که عملکرد آنها با بودجه‌ای که می‌گیرند تا چه میزان همخوانی دارد.» این گفت‌وگو در ادامه می‌آید:

«مسعود پزشکیان چند روز پیش در اظهارنظری از موسساتی حرف زد که بودجه می‌گیرند اما خروجی خاصی ندارند. تحلیل‌تان از موضوع عنوان‌شده توسط رئیس‌جمهور چیست؟

وقتی که برخی از دستگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و یا انواع دیگر احداث شدند، معمولاً هنگام تاسیس‌شان به سایر مسائل توجه‌شده است، یعنی فرابخشی نگاه‌نشده است. هر یک سازمان، به اقتضای یک زمان و اقتضای حل یک مشکل و یا به خاطر یک فردی ایجاد شده و همینطور مانده است و هر سال هم به این سازمان بودجه اختصاص پیدا کرده و این روند ادامه داشته و خیلی هم به کارکرد آن توجه‌نشده است. اینکه آقای رئیس‌جمهور این حرف را می‌زنند، به‌نظم فرصتی برای بازخوانی همه این سازمان‌ها چه به لحاظ کارکرد و چه به لحاظ بودجه است. در یک جمله می‌توان گفت که باید اینها را هزینه‌فایده کرد، یعنی معلوم شود که هزینه‌ای که برای اینها می‌شود، چه سود و بهره‌وری‌ای دارد. خیلی هم بحث جناحی و خطی نیست. این نهادها چه مذهبی باشند و چه فرهنگی، همه بررسی شوند. این مهم نیست که بودجه‌شان کم یا زیاد است. گاهی اوقات که شما حرف بودجه می‌زنید، می‌گویند مثلاً مگر ۲۰ میلیارد تومان در چند ده هزار تومان پولی می‌شود؟ با همین استدلال هم گاهی اوقات شاید می‌آیند و افرادی را قانع می‌کنند که مزاحم‌شان نشوند. اما من بچشم فراتر از بحث پول و بودجه است. من معتقدم که باید سازمان‌ها در ساختار بوروکراتیک کشور معنا و خروجی داشته باشند. برخی از این سازمان‌ها، بودجه‌شان اصلاً اهمیت ندارد، خود اینها به ذات برای خودشان مأموریت‌هایی تعریف کرده و این مأموریت‌ها را به بدنه نظام سیاسی یا فرهنگی کشور غالب کرده‌اند. بنابراین لازم است که این اتفاق بیفتد. اما آن چیزی که آقای رئیس‌جمهور گفت، به‌نظم نباید فرادولت دیده شود. الان بسیاری از سازمان‌های دولتی هم درگیر این موضوع هستند. یعنی تشکیلات‌های وسیع و گسترده‌ای وجود دارد که به نظر من، انحلال یا ادغام آنها هم به لحاظ بودجه‌ای و هم به لحاظ کوچک کردن دولت امری ضروری است. مثلاً در وزارت ارشاد، ما یک معاونت فرهنگی و یک معاونت هنری داریم. اسم‌شان هم نشان می‌دهد که اینها می‌توانند در هم ادغام شوند. یا مثلاً میراث فرهنگی و گردشگری، به‌نظم جنس‌اش از جنس فرهنگ است، بنابراین کاملاً قابلیت ادغام در وزارت ارشاد را دارد. یا نمونه دیگر، وزارت ورزش است که یک زمانی سازمان تربیت‌بدنی بود که خیلی کوچک‌تر از این کارش را می‌کرد. حدود سه دهه قبل، یکی از مدیران ارشد سازمان برنامه و بودجه گفت که برآورد کردیم که اگر حدود سی تا چهل درصد کارمندان دولت اصلاً سرکار نیابند و ما حقوق‌شان را پرداخت کنیم، هزینه‌ای که از ما کم می‌شود، سودش بیشتر از چیزی است که سرکار بپایند. چیزی که آقای رئیس‌جمهور دنبالش است، دو نکته دارد که باید رعایت شود، یکی اینکه نگاه سیاسی به آن نداشته باشیم و دوم اینکه نگاه کوچک کردن دولت را نداشته باشیم.

«یک بحث، توان قانونی است که طبق قانون رئیس‌جمهور می‌تواند چنین کاری را انجام دهد اما مهم‌تر از توان قانونی، توان عملیاتی و اجرایی کردن این تصمیم است. به نظر‌تان زور مسعود پزشکیان می‌رسد که چنین کاری را انجام دهد و یا تنها در حد حرف باقی خواهد ماند؟

آقای رئیس‌جمهور ظرفیتی دارد که آن ظرفیت سران سه قوه هستند. اگر ایشان بتوانند، این موضوع را در جلسه سران قوا به تأیید برسانند و به‌خصوص از سوی رئیس‌مجلس با این ماجرا همراهی صورت گیرد، می‌تواند نتیجه‌بخش باشد. همچنین می‌تواند از رهبری بخواند که این را به عنوان یک پروژه از مجمع تشخیص مصلحت بخواند و مجمع نظر مشورتی دهد. در این صورت می‌توان به راحتی این فرایند را انجام داد. البته این موضوع مقداری زمان بر خواهد بود و مقاومت هم در برابر آن وجود دارد. بالاخره وقتی که شما می‌خواهید ده‌ها و صدها مدیر را حذف کنید، مقاومت‌هایی وجود دارد که برخی از آنها هم مقاومت جناحی است ولی اگر برای یک بار این کار انجام شود، تازه‌ها سال کشور راحت می‌شود. **✎**

پول‌پاشی یا انضباط‌بخشی؟

تحلیل کارشناسان درباره نحوه بودجه‌ریزی و پاسخی به ادعای وابستگی حوزه علمیه به دولت از زمان سیدمحمد خاتمی

سمیه متقی، فرهاد فخرآبادی

گروه سیاست

چندی پیش ویدئوی تازه‌ای از دیدار اخیر مدیران رسانه‌ها با رئیس‌جمهوری منتشر شد که در آن مسعود پزشکیان از نحوه بودجه‌ریزی انتقاد و بر عملیاتی شدن آن تأکید می‌کند و می‌گوید: «تا دل‌تان بخواند مؤسسات و بنیادهایی داریم که هیچ برون‌دادی ندارند ولی پول به این‌ها می‌دهیم. خب! چرا باید به این‌ها پول بدهیم؛ در حالی که معیشت مردم را نمی‌توانیم تأمین کنیم؟» در پی این سخنان

هم بحث‌ها درباره ردیف بودجه نهادهایی مانند صداوسیما و حوزه علمیه مطرح شد، اولی براساس آنکه آن را ناکارآمد و ناتوان می‌بینند و دومی با این نگاه که نهاد مذهبی نباید به بودجه دولتی وابستگی داشته باشد و همین موجب تضعیف نقش اصلاحی آنها می‌شود، بعد هم برخی چرخیدند و به این جمله آیت‌الله مصطفی محقق داماد رسیدند که با انتقاد از وابستگی مالی حوزه‌های علمیه به دولت گفته بود: «آیت‌الله بروجردی حوزه را در برابر حکومت با هر مشکلی اداره کرد؛ اما امروز یکی از مشکلات حوزه این است که وابسته به دولت و حکومت شده است و اولین کسی که این اشتباه را کرد و برای حوزه بودجه تعیین کرد، آقای محمد خاتمی

ارزیابی غلامحسین کرباسچی از اظهارات رئیس‌جمهور درباره اختصاص بودجه به بنگاه‌ها و نهادها

باید بخشی از بودجه صداوسیما را هم از آن‌ها پس بگیرند

موارد هیچ دستاورد ملموسی دیده نمی‌شود. با این حال دولت هم نمی‌تواند یکباره پرداخت‌ها را قطع کند، همانطور که گفتیم، در مرحله اول خود نهاد ریاست‌جمهوری و وزارتخانه‌ها هستند که بدنه‌های بسیار سنگینی دارند و به‌سادگی نمی‌توان آن‌ها را تعدیل کرد. حالا اگر بخواهند نیروی انسانی را کاهش دهند، باید برای کسانی که آزاد می‌شوند فکری بکنند. این افراد سال‌ها از همین بودجه‌ها ارتزاق کرده‌اند؛ بیرون کردن‌شان تبعات سنگینی برای دولت خواهد داشت، از جمله افزایش بیکاری، بنابراین باید برایشان کار جدید تعریف‌شود و شرایط تازه‌ای فراهم‌آید. این کار آسانی نیست، اما در نهایت راهی جز این وجود ندارد. دولت اگر خود را سبک نکند و بسیاری از وظایفش را بازنگری نکند، مشکلات پابر پا خواهد ماند. بعد از آن، نهادهای دیگر هم مشخص هستند، شما اگر بشمارید، از سازمان تبلیغات گرفته تا سازمان‌های هنری، سازمان اوج و حتی خود صداوسیما؛ ببینید چه بودجه‌های سنگینی دولت ناچار است در آن‌ها تزریق کند و در یکی دو سال اخیر هم این بودجه‌ها چقدر افزایش یافته است. یا مثلاً برخی مؤسسات وابسته به حوزه‌ها و نهادهایی مثل اوقاف. اوقاف خودش درآمد‌های کلانی دارد و باید همان‌ها را در فعالیت‌هایش خرج کند اما باز هم دولت به این نهاد میلیارد‌ها، یا حتی هزاران میلیارد کمک می‌کند. این‌ها نمونه‌هایی است که آقای پزشکیان باید با آن‌ها مواجه شود. حالا اینکه زور ایشان به چنین تغییراتی برسد یا نه، مشخص نیست.

«آیا در دولت‌های گذشته این دغدغه وجود داشته که جلوی این بودجه‌ها گرفته شود؟ اگر بوده، چرا این کار انجام نشده؟ آیا راه ساختاری وجود نداشته؟

متأسفانه بخشی از این روند از دولت آقای خاتمی آغاز شد. آن زمان به‌خاطر روردریاستی و فضا سازی‌هایی که علیه دولت می‌شد - مثل اینکه دولت لیبرال است و برچسب‌های مشابه- این رویه شکل گرفت. در دولت‌های بعدی، به‌ویژه در دولت آقای احمدی‌نژاد، این موضوع شدت گرفت و «پول‌پاشی» عملاً به ابزاری برای اهداف سیاسی تبدیل شد. در آن مقطع هم درآمد ارزی کشور بالا بود و هم دست دولت برای این بدل و بخشش‌ها را تر. بخشی از این توزیع پول در قالب یارانه‌ها به همه مردم داده می‌شد، اما فراتر از آن، هر جا رئیس‌جمهور یا وزیری برای بازبید می‌رفت، امکان خرج‌های گسترده فراهم بود. متأسفانه این رویه به تدریج تثبیت شد و به ابزاری در دست جریان‌های مختلف سیاسی بدل شد؛ از نمایندگان مجلس گرفته تا ائمه جمعه و سایر شخصیت‌های سیاسی. به همین دلیل هم کار امروز بسیار دشوار است. با این حال اگر آقای پزشکیان حتی درصدی از این وضعیت را اصلاح کند و گامی به جلو بردارد، ارزشمند خواهد بود. اگر بتواند شعار «بودجه عملیاتی» را محقق سازد، این تحول بسیار مهمی خواهد بود؛ البته مشروط بر اینکه زورش برسد. اما با شرایط کنونی کشور، من خیلی امیدوار نیستم.

«بودجه صداوسیما ۲۹ هزار میلیارد تومان است؛ آن هم فقط بودجه رسمی و مستقلاً که در جدول شماره هفت بودجه آمده، و علاوه بر آن بودجه‌های دیگری هم دارند. یک سازمان عریض و طویل مثل صداوسیما، که خودش هم می‌گویند مخاطب چندانی ندارد از چطور می‌توان توجیه کرد؟

آنجا واقعاً یک بیابان است. این همه شبکه، صداها ایستگاه رادیویی و تلویزیونی و... اگر بخواهند بودجه را به‌صورت عملیاتی تنظیم کنند، باید نیمی از بودجه‌های صداوسیما را هم از آن گرفت. صداوسیما بی که خودش آن آمار می‌دهند چه درصدی از شنونده و بیننده دارند

همین شرایط را دارند. جالب اینکه همین حالا وزیر محترم کشور به استانداردی‌ها توصیه کرده‌اند مبادا کسی را تعدیل نیرو کنید؛ در حالی که بدنه عظیم نیروی انسانی ما اغلب بدون کار مقید است و برایشان وظایف ساختگی تعریف می‌شود که نتیجه‌اش فقط ایجاد مزاحمت برای مردم است. مثلاً یک امضای ساده، به جای اینکه یک‌جا انجام شود، باید در چند مرحله و نزد چند نفر گرفته شود. سیستم بوروکراسی ما را با دنیا مقایسه کنید؛ کجا چنین حجمی از نیروی انسانی در ساختار اداری وجود دارد؟

این مثال فقط مربوط به دولت بود و گرنه در کنار آن، مؤسسات و نهادهای دیگری هم هستند. امروز بسیاری از علمای قم مرتب انتقاد می‌کنند که چرا دولت این‌همه پول به مؤسساتی داده که قبلاً هیچ وقت از امکانات دولتی استفاده نمی‌کردند. این مؤسسات، نهاد دولتی نیستند؛ پس چرا باید چند هزار میلیارد تومان بودجه از دولت دریافت کنند تا به دولت وابسته شوند؟ این وابستگی باعث می‌شود آزادی و شهامتی که روحانیت همواره در دفاع از حقوق مردم داشته، تحت تأثیر قرار گیرد. در گذشته، خود مردم این نهادها را اداره می‌کردند و اگر هم نتوانند، روحانیت همیشه به زندگی ساده و قناعت مشهور بوده و امکانات از طریق شهریه مراجع تأمین می‌شد. حالا اما ساختمان‌ها و فضا‌های وسیعی ایجاد شده که بخش زیادی از هزینه‌هایش روی دوش دولت است. طبیعی است که آقای پزشکیان هم نمی‌تواند یکباره این بودجه‌ها را قطع کند. از طرف دیگر، مجموعه‌های متعدد دیگری تحت عناوین تبلیغاتی و فرهنگی وجود دارند؛ مثل سازمان تبلیغات و نهادهای مشابه. اگر مجموع بودجه‌های آن‌ها را حساب کنید، حتی از بودجه بسیاری از وزارتخانه‌ها بیشتر می‌شود. آقای پزشکیان در دوران انتخابات ریاست‌جمهوری وعده‌هایی در همین زمینه داده بود، اما در این یک سال، هیچ اقدامی عملی صورت نگرفته است.

ما امیدوار بودیم در فصل بودجه، وقتی اعلام کردند که شخصاً در سازمان برنامه نشست‌اند، واقعاً بودجه را عملیاتی کنند. یعنی مشخص شود هر بودجه‌ای که تخصیص می‌یابد، چه خروجی‌ای دارد و چه خدمتی به مردم می‌رساند. آیا این کار باید با این بودجه نیرو و بودجه انجام شود یا نه؟ در حال حاضر ۹۰ تا ۹۵ درصد بودجه دولت صرف حقوق، مزایا و بیمه پرسنل می‌شود و عملاً چیزی برای عمران، سازندگی و سرمایه‌گذاری باقی نمی‌ماند. اگر آقای پزشکیان واقعاً بودجه را عملیاتی کند، باید دست‌کم ۵۰ درصد نیروی انسانی در سازمان‌ها، نهادهای و وزارتخانه‌ها کاهش پیدا کند. همچنین باید تکلیف بسیاری از مؤسساتی که خروجی و اثر ملموسی در زندگی مردم ندارند، روشن شود. اما بعید می‌دانم ایشان چنین کاری انجام دهد. زیرا بار تغییر، یکی از بخش‌های همان وفاقی که شعارش را داده، آسیب می‌بیند. امیدوارم موفق شود، ان‌شاء‌الله بتواند.

«گفتید که زور ایشان نمی‌رسد. چرا؟

برای اینکه آن نهادها هر کدام مدعی‌اند و صاحب قدرت محسوب می‌شوند. هر کدام پشتیبانان خاص خود را دارند. به‌هر حال آن‌ها هم انسان‌های سیاسی هستند، حرف می‌زنند، تبلیغ می‌کنند، علیه دولت موضع می‌گیرند و مدام بر اهمیت و حیاتی بودن خود تأکید می‌کنند. همین فضا سازی‌ها و جوهایی که ایجاد می‌شود، عملاً دست دولت را می‌بندد. شما نگاه کنید؛ همین بودجه‌هایی که دولت به نهادهای مختلف می‌دهد، چه خروجی و نتیجه‌ای دارد؟ در بسیاری

نگاه
هم‌میهن

